



❁ جواب سؤال را گرفتیم

سمیه ناطقی که پرشمار آثار خطاطی دارد و بخشی از کارش را بر خوش نویسی آثار امام رضایی معطوف کرده است، حساب و کتاب کارش را با امام رضا^(ع) را می داند. او سلطان سریر ارتضاء را نور و روشنائی شهر بهشت می داند. نوری که به قلم نی و صفحه گلاسه کار او هم در این سال ها تابیده و این بانوی هنرمند درد نیای هنر رضوی قدم گذاشته است. اومی گوید: خطاطی من برای امام رضا^(ع) برای پاسخ به یک سؤال در درون خودم بوده است. همیشه وقتی به حرم می رفتم و آن عظمت و شکوه را می دیدم، به خودم می گفتم من برای امام رضا^(ع) چه کاری کرده ام؟ یک نوع شرمندگی شخصی داشتم. با خودم می گفتم: یکی باوقفش، یکی بانذرش و دیگری با خادم بودنش به امام رضا^(ع) عرض ارادت می کند. ولی من چیزی برای اینکه این قدم ها را بردارم نداشتم. او ادا می دهد: در این سال ها که در جشنواره ها شرکت می کنم و کارهای امام رضایی من دیده می شود، احساس می کنم به بخشی از این سؤال پاسخ داده ام.

❁ به «نه» دیگران، «نه» گفتم!

خطاط حاذق شهرمان در این سال ها با کارهای امام رضایی اش توجه استادان و هنرمندان این حوزه را جلب کرده است. البته که خودش می گوید دنبال توجه و مقام و جایزه نبوده اما بارها تشویق شده و حال خوبی هم پیدا کرده است. واکنش های منفی و روی گردانی از او و هنرش نیز اثری بر تصمیماتش نداشته است. تعریف می کند: متأسفانه برخی دوستان و آشنایان از زوایای دیگری به هنر و اعتقادات جامعه نگاه می کنند که این نگرش ما حاصل چند قطبی شدن جامعه است. در همین زمان هایی که من آثارم را برای عرض ادب به محضر امام هشتم آماده می کردم، افرادی بودند که به من می گفتند امروز جامعه و فضای هنر این آثار و رفتار مذهبی رانمی پسندد و به نوعی من را از این کارهای هنری بازمی داشتند. اما جواب من هم «نه» بود! اومی گوید: کار من برای امام رضا^(ع)، یک کار دلی بود و برایم اهمیتی نداشت که دیگران چه فکر و قضاوتی درباره من و هنرم دارند.

❁ خطوط ماندگار در حرم، نشانه لیاقت است

آثار خوش نویسی در بارگاه منور رضوی حکم گنجینه را دارند. از خط ثلث بایسنقر میرزا در دوره تیموری بر طاق مسجد گوهرشاد گرفته تا خط ماندگار علیرضا عباسی که در دوره صفوی بر ایوان صحن عتیق نشسته است. این روال در قرن های بعدی هم ادامه یافته و آثار نستعلیق و ثلث از خود ضریح تادرب صحن ها و گنبد چشم نوازی می کنند. این آثار، الهام بخش ذهن و فکر ناطقی در مسیر خلق خوش نویسی های زیبایش بوده اند. اومی گوید: از زمانی که متوجه علاقه ام به خوش نویسی شدم، حضورم هم در حرم شکل متفاوتی داشت. وقتی به حرم می رفتم کمی از حال معنوی و زیارت که فاصله می گرفتم، همه حواسم پرت خطوط و کتیبه های حرم می شد. او ادا می دهد: چند سالی است استاد توکلی زاده از بین مارفته اند. اما کتیبه های ایشان در روضه منوره هنوز به یادگار ماندگار است. یا خطوط آقای مهدی زاده روی درهای چوبی بزرگ همیشه توجه من را جلب می کند. به نظر من، این ماندگاری آن هم در حرم امام رضا^(ع) اتفاقی نیست، هم خلوص فرد را نشان می دهد و هم لیاقتش را.

❁ یعنی روزی می شود؟

وقتی از حرم و خطاطی در آستان ملائک پاسبان رضوی صحبت می کند، به وجد می آید: این را از حالت چشم ها و حرکت دستانش می توان فهمید. او کار برای امام رضا^(ع) را دوست دارد و تا همین جا هم شاکر خداست که مورد توجه امام رئوف^(ع) بوده است. البته شاید بعضی وقت ها با خودش فکر کرده است که چه خوب می شود که کارهای امام رضایی اش از دیوار نمایشگاه ها و پوستر جشنواره ها به فاصله نزدیک تری تا روضه منوره برسد. وقتی این موضوع را از او جویا می شویم، پاسخ می دهد: یعنی روزی می شود؟ قطعاً اگر روزی من به آن درجه از توانمندی و سعادت برسم که خطم در گوشه ای از حرم مطهر قرار بگیرد، برایم افتخاری است؛ به این آرزو در زندگی فکر کرده ام. سیمیه خانم ادامه می دهد: اگر روزی این توفیق حاصل شود، همه جوره استقبال می کنم و حال خوبی است برایم و فکر می کنم این اثر هر چه به روضه منوره نزدیک تر باشد، خوشحال ترم می کند.

❁ زیبا بود ولی خواندنش سخت بود

از اولین خوش نویسی امام رضایی سیمیه خانم برای دربار ولایت مدار رضوی بیست سالی می گذرد. اما شاید مهر صحن و سرای سراسر نور امام هشتم، خیلی دورتر و از دوران کودکی سیمیه خانم به دلش نشسته باشد. شاید از همان روزها که معلم کلاس پنجمش آن ها را تشویق به خواندن خطاطی ها و کتیبه های حرم امام رضا^(ع) می کرد. او در وصف آن خاطره می گوید: آقای عباسی، معلم خوب و دغدغه مندی بود؛ به مامی گفت «هر کس به حرم امام رضا^(ع) برود و نوشته های دور ضریح را بخواند پیش من جایزه دارد». سیمیه خانم این طور ادامه می دهد: من که از همان زمان خطاطی و خط خوش را دوست داشتم، باید درم به حرم می رفتم و به سختی لابه لای جمعیت، خودم را به ضریح می رساندم و به متن ها نگاه می کردم. خیلی زیبا بود ولی خواندنش سخت بود. یادم است در حد تک کلمه می فهمیدم ولی نمی توانستم جمله یا بیت کاملی را بخوانم. همان زمان متوجه می شدم که بایک اثر هنری ارزشمند مواجه شده ام.



❁ جان به قربان تو شاهاکه حج فقرایی

«اغنیام که روند و فقر اسمت تو آیند/ جان به قربان تو شاها که حج فقرایی»، سیمیه ناطقی وقتی برای اولین بار تصمیم گرفت اثری را به یک برنامه امام رضایی ارائه کند، با این بیت شروع کرد: بیتی که از نو جوانی ملکه ذهنش شده بود. اومی گوید: سال ۱۳۸۳ فراخوان نمایشگاهی با عنوان آثار خوش نویسی با موضوع هنر رضوی را دیدم. بلافاصله این

شنیدم صدای آدم هایی می آید که سیمیه ناطقی را صدا می زنند. یک نفر من را از میان جمعیت کشید و هل داد سمت تابلویم. ایشان به من گفتند «این کار اثر شماست؟» نگاه کردم دیدم خط من است. آقای امیرخانی اول به شوخی گفتند «این چه خطی است! چرا این قدر مردانه نوشته ای؟» من ترسیدم که خیلی بد نوشته ام. به یک باره همه خندیدند و کلی از کارم تعریف کردند که انرژی مثبتی بود برای ادا می راهم.

بیت به ذهنم رسید و همان را بعد از چند بار تمرین روی صفحه آوردم. دادم برای تذهیب و به دبیرخانه نمایشگاه فرستادم. او تعریف می کند: روزی که قرار شد اساتید خوش نویس و در رأس آن ها استاد امیرخانی از آثار بازدید کنند، من هم به نمایشگاه بین المللی رفتم. هر کسی اساتید را به سمت اثر خودش می برد و کار خود را معرفی می کرد. لابه لای شلوغی جمعیت اصلاً نمی توانستم به آن ها نزدیک شوم. ناگهان

